

## نفوذ عربستان در بحرین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

نسا زاهدی، روح الله قاسمیان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

### چکیده:

عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران همواره به عنوان دو رقیب در منطقه خلیج فارس بوده‌اند و مهم‌تر این که تحولات بحرین به عنوان حوزه نفوذ مشترکی برای هر دو کشور تلقی می‌شود. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای در صدد پاسخ به این سوال اصلی است که نفوذ عربستان در بحرین چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه مقاله اقدامات عربستان در حوزه خلیج فارس و بخصوص کشور بحرین را در بردارنده تهدیدهایی چون برهم زدن بازدارندگی منطقه‌ای و موازنه قوا، تشدید سیاست‌های نظامی‌گرا، سلطه جویی‌های اقتصادی و تهدیدهای تبلیغی و سیاسی در راستای القای مانعیت ایران در تحقق صلح خاورمیانه می‌داند و در عین حال فرصت‌هایی همچون گسترش قدرت نرم و شبکه‌ای ایران و شکست راهبردهای آمریکا و عربستان در منطقه را بدنبال خواهد داشت.

**واژگان اصلی:** منافع ملی، عمق استراتژیک، منطقه خلیج فارس، موازنه قوا.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

عربستان به دلیل ساختار خاص اجتماعی و فرهنگی خود، از دیگر کشورهای خاورمیانه و حتی کشورهای همسایه آن در حوزه جنوبی خلیج فارس متمایز می‌باشد. ساختارهای خاص قبیله‌ای و عشیره‌ای که به پدید آمدن فرهنگی خاص منتهی شده همراه با آموزه‌های عمیقاً سنتی و مذهبی و نیز سیطره افکار و ایده‌های سلفی در قالب «وهابیت»، به جامعه عربستان ترکیب منحصر به فردی بخشیده است. حکمرانان آل سعود با وجود ذخایر عظیم نفتی، همواره از ثروت سرشاری برخوردار بوده‌اند. عربستان حدود یک چهارم ذخایر اثبات شده نفت جهان (در حدود ۲۶۲ میلیارد بشکه) را در اختیار دارد و از این منظر، شرایط سیاسی و ثبات یا ناامنی در این کشور نفت‌خیز از اهمیت زیادی برای قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا برخوردار می‌باشد. پادشاهی سعودی در بعد منطقه‌ای و فراتر از آن در حوزه جهان اسلام نقشی مهم برای خود قائل است و با حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی (البته به طور گزینشی) در پی بسط حوزه نفوذ خود بوده است. ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند و هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت، نقش برتری برای خود در روند تحولات منطقه‌ای قائلند.

پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها از اهمیت روابط دو کشور نکاست بلکه پدیده نوین انقلاب و رخدادهای متأثر از آن، به همراه تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط دو کشور را با حساسیت خاصی همراه کرد و به آن پیچیدگی فوق‌العاده‌ای بخشید. از همان ابتدای پیروزی انقلاب، سوء ظن اعراب حوزه خلیج فارس نسبت به آنچه که آن را تلاش جمهوری اسلامی برای صدور «انقلاب شیعی و ایدئولوژی ضد غربی» می‌دانستند، در واکنش آنها به جمهوری اسلامی نوپا در ایران هویدا بود. دو سال پس از پیروزی انقلاب، کشورهای مذکور با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس به طور عملی در جهت مقابله و رفع نگرانی از بابت حضور یک ایران جدید در منطقه گام برداشتند. نمونه این تقابل را می‌توان در موضع‌گیری‌ها و کمک‌های مالی برخی از کشورهای عربی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران به رژیم صدام جست‌وجو نمود. در این راستا، عربستان سعودی به‌عنوان یکی از قدرت‌های رقیب جمهوری اسلامی ایران در منطقه، با توجه به عوامل ثابت و متحول تأثیرگذار بر روابط دو کشور، در دوره‌های مختلف سیاست‌های متنوعی را در قبال ایران در پیش گرفته است که از همکاری نسبی تا رقابت و

خصوصیت‌های آشکار را دربر می‌گیرد. با توجه به تحولات و شرایط جدید منطقه‌ای و برداشت سعودی‌ها در خصوص نفوذ منطقه‌ای ایران، عربستان سعودی سعی کرده است تا سیاست‌های خود را در سطح منطقه‌ای، در راستای موازنه‌سازی در برابر جمهوری اسلامی ایران و گسترش نفوذ خود به صورت متقابل سازماندهی نماید. بر این اساس دولت سعودی به خصوص در چندکانون یا حوزه اصلی از جمله بحرین، سوریه، عراق، لبنان و فلسطین و منطقه خلیج فارس، تلاش می‌نماید تا نفوذ خود را گسترش و با همکاری و تعامل با بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی همسو، در مقابل ایران موازنه ایجاد کند. آنچه مسلم است این که سیاست‌ها و اقدامات سعودی‌ها به عنوان بازیگر منطقه‌ای عمده، می‌تواند جایگاه و نقش‌آفرینی کنونی جمهوری اسلامی ایران را متأثر ساخته و سیاست منطقه‌ای ایران را با مشکلات و چالش‌هایی مواجه سازد. به خصوص اینکه این تلاش‌ها در تعامل با آمریکا و برخی دیگر از بازیگران عربی منطقه صورت می‌گیرد و حتی همسویی‌هایی نیز با رژیم اسرائیل در این خصوص قابل مشاهده است. بر این اساس اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی برای تعدیل رویکرد موازنه‌سازی و افزایش نفوذ عربستان سعودی در تقابل با جمهوری اسلامی ایران، از سوی تصمیم‌گیرندگان کشور ضروری به نظر می‌رسد. در راستای این فرایند سوال اصلی که پیش می‌آید این است که نفوذ عربستان در بحرین چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

## ۲. چارچوب نظری، نظریه نواقع‌گرایی

نواقع‌گرایی ضمن حفظ کلیدواژه دولت به عنوان یگانه صحنه گردان عرصه نظام بین‌الملل، مفهوم ساختار را در کانون دستگاه نظری خود قرار داده است که مقصود از آن شیوه توزیع قدرت است (قوام، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۶). بعلاوه این که در فضای جدید نمی‌توان سایر بازیگران همچون بازیگران فروملی و فراملی را نیز نادیده گرفت در سطح فروملی همان قومیت‌ها و اقلیت‌های جنسیتی را داریم و در سطح فراملی بازیگرانی چون شرکت‌های چند ملیتی و شرکت‌های فعال اقتصادی و حتی جریان‌ات بنیادگرا (محمد خانی، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵).

مولفه‌های اصلی نواقع‌گرایی در خصوص امنیت به شرح زیر است:

### -نظم دهنده‌گی

از منظر نواقع‌گرایی کلیه بازیگران نظام بین‌الملل در شرایط هرج و مرج گونه زندگی می‌کنند و یگانه راه حفظ حیات و تداوم بقا غلبه بر آنارشیسم از طریق دنباله روی از منافع و تامین منافع ملی و خیر جمعی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۳). در نظام بین‌الملل قواعد و ضمانت اجرائی جز

قدرت دولت‌ها وجود ندارد و هر بازیگری در پی تأمین خواسته‌های خود است (نوریان، ۱۳۹۸ : ۲۲۹).

- انفکاک بخش‌ها و عناصر

اصولاً ساختار نظام بین‌الملل از طریق نهادسازی و درونی کردن نقش‌ها در نهایت عملکرد بازیگران شبیه بهم می‌کند و هموار همحاسبه سود و زیان رفتار غالب آن‌هاست (عطائی، ۱۳۸۹ : ۵۳). موازنه قوا

موازنه قوا دایره بر ضرورت‌مندی حفظ توازن و نظم دهی میان واحدها در شرایط خودیاری است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۱ : ۱۱۵).

۳. موقعیت منطقه‌ای بحرین و مبانی سیاست خارجی آن

کشور بحرین از دیرباز به دلیل موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی و قرارگرفتن در آب‌های خلیج فارس از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. درگذشته این کشور به عنوان راه ارتباطی بین اروپا و هند و به عنوان یک مرکز تجاری بین خاوردور، شبه قاره هند و کشورهای خاورمیانه مورد توجه بسیار قرار داشته است. بعلاوه چه درگذشته و چه امروز به دلیل وجود پایگاه نظامی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. موقعیت این کشور با ایجاد پل ارتباطی بین بحرین و عربستان سعودی که در سال ۱۹۸۶ افتتاح شد، تقویت شده و احداث این پل نقش موثری برای عربستان و بحرین در زمینه‌های مختلف بخصوص از نظر سیاسی، امنیتی و اقتصادی داشته است. واکاوی تاریخ سیاسی بحرین نشان می‌دهد که بحرین در واکنش به خطر تفکر انقلابی شیعه در ایران، به انعقاد قراردادهای دفاعی با عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس پرداخته و پس از اشغال کویت از سوی عراق در اوت ۱۹۹۰ به نیروهای متحدین پیوست (فیروزکلائی، ۱۳۹۴ : ۱۷۴).

اهداف عربستان از نفوذ در بحرین

عربستان سعودی در سیاست خارجی در ارتباط با بحرین و همچنین دیگر کشورهای منطقه، چهار هدف اصلی را دنبال می‌کند.

الف- ثبات منطقه و ایجاد موازنه منطقه‌ای: رژیم سیاسی قبیله‌گرای عربستان در راستای حفظ وفاداری به پادشاه تمامی مخالفین داخلی و منطقه‌ای را قلع و قمع می‌کند و در این راستا از حمایت غرب نیز برخوردار است تا این رژیم وابسته با کمک رسانه غرب بتواند حافظ منافع ابرقدرت‌ها در خاورمیانه باشد (خادمی، ۱۳۸۴ : ۱۱۳).

ب - رسالت منطقه در راستای سیادت بر همگان : تمامی تلاش عربستان به لحاظ تاریخی حفظ سیادت آنها بر اعراب بویژه به دلیل سرپرستی آنها بر مکه و سایر اماکن مقدس آنجاست که در این راستا همواره همسایگان جهان عرب حمایت‌های اقتصادی چشمگیری را روانه عربستان نموده‌اند (پوراآخوندی، ۱۴۰۰: ۱۷۶).

ج - تضعیف مراکز فرماندهی جنبش‌های دگرگون‌ساز منطقه: تمام تلاش ساختار محافظه‌کارانه عربستان حفاظت و حمایت از رژیم‌های دست راستی است تا بتوانند ضمن حفظ سیطره خود بر جهان عرب، موقعیت خود را حفظ و حیاتشان را تضمین نمایند (هاشمی نسب، ۱۳۸۸: ۸۵).

د- تبلیغ وهابیت: قسمت قابل توجهی از جمعیت کشور بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهد و از همین زاویه خطری اساسی برای دولت سعودی در زمان انقلاب به شمار می‌رود. بر همین مبنا، یکی دیگر از اهداف مهم عربستان سعودی در سیاست خارجی ترویج آیین وهابیت است، تا از این طریق حوزه نفوذ خود را گسترش داده و رهبری جهان اسلام و برتری خود را در منطقه و کشورهایی چون بحرین تحقق بخشد.

۴. شیوه‌های نفوذ دولت عربستان سعودی در بحرین

سیاست خارجی عربستان به طور کلی در سه حوزه قابل تحلیل است:

۱-حوزه خلیج فارس که نبض سیاست خارجی عربستان است و جهت‌گیری‌های استراتژیک عربستان از طریق شورای همکاری خلیج فارس در همین راستا انجام می‌شود.

۲- بستر عرب‌گرا که سازمان‌هایی چون اتحادیه عربی با تکیه بر راهبرد قومیتی در همین مسیر قابل تحلیل هستند.

۳- بخش اسلام‌گرایانه که تبلیغات وسیع رسانه‌ای برای تحقق آن صورت می‌پذیرد و نهادهای تابع زیادی را شامل می‌شود و حتی سازمان بین‌المللی را نیز به خدمت می‌گیرد (عظیمی، ۱۳۹۹: ۸۷).

رژیم سعودی با استفاده از شبکه‌های تبلیغاتی عظیم (ده‌ها روزنامه، مجله، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و ...) و همچنین دلارهای نفتی سعی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود داشته است. با بروز جنگ دوم خلیج فارس در سیاست خارجی عربستان سعودی، چه از ناحیه اهداف و چه از ناحیه رفتار، تحولی عمیق به وجود آمد که می‌توان آن را در دو محور بیان نمود:

الف- مبارزه با اصول‌گرایی

پس از بحران خلیج فارس و متعاقب آن حادثه ۱۱ سپتامبر، مبارزه با اصول‌گرایی در داخل و خارج

کشور به عنوان یکی از اهداف عمده سیاست دولت عربستان سعودی مطرح شد که مواضع صریح مسئولان و برنامه‌های تبلیغاتی دولتی گویای آن است و علت این تحول را می‌توان در نکات زیر خلاصه کرد:

- نگرانی نظام حاکم از رشد حرکت اصول‌گرایی اسلامی در داخل.
- تحت فشار قرار گرفتن سعودی‌ها به دلیل رشد بنیادگرایی اسلامی که مهد و پرورش آنرا در کشور عربستان می‌دانند.
- بعلاوه این که عربستان می‌کوشید تا خود را به عنوان نمونه‌ای قابل رقابت و الگویی در فعالیت‌های دینی جهان اسلام نشان دهد.

#### ب- سیاست شدت عمل

رژیم سعودی در طول چند دهه گذشته، سیاست خارجی خود را بر شیوه و روش مدارا و جذب و کاهش دشمنی و تشنج با کشورهای مجاور و دولت‌های ذی نفوذ در جهان به کار گرفته بود و در این شیوه از «سیاست چک بانکی» در حل مشکلاتی که با طرف‌های خارجی آن روبرو می‌شد، استفاده می‌کرد و با بهره‌گیری از ثروت نفتی خود همواره مواضع کشورها را به نفع خود تغییر می‌داد که علت بکارگیری این سیاست، نداشتن توانمندی‌های سیاسی بود. اما این امر پس از بحران خلیج فارس و حمایت نیمی از کشورهای عربی از اقدام رژیم عراق در اشغال کویت که دقیقاً نقطه مخالف سیاست سعودی‌ها بود، موجب شد تا سیاست خارجی عربستان که بر اساس مدارا و دیپلماسی فعال پایه‌ریزی شده بود به یک سیاست حساب پس‌گیری و سیاست انفعالی و انتقالی تبدیل شود و با کشورهایی که در این بحران در کنار حکومت عربستان سعودی قرار نگرفتند با خصومت و شدت عمل رفتار نماید (جوان شهرکی، ۱۴۰۰: ۱۶۵).

سیاست شدت عمل دولت سعودی نفوذ و تأثیر خارجی آنرا در سطوح خلیج فارس، منطقه عربی و جهان اسلام کاهش داد، به طوری که سبب تضعیف موقعیت عربستان در صحنه رقابت فزاینده با دیگر قطب‌های رقیب خاورمیانه به ویژه «مصر و ایران» شد. دگرگونی شیوه سیاست خارجی سعودی از شیوه مدارا و جذب به سیاست انتقام‌جویی و کینه‌جویی از نفوذ عربستان در سه فضای استراتژیکی حوزه سیاست خارجی عربستان کاست، به گونه‌ای که کشورهایی همچون سودان، یمن، قطر و اردن که مجازات و انتقام‌جویی رژیم سعودی آنها را در بر گرفته بود روابط خود را با جمهوری اسلامی

ایران استحکام بخشیدند (یزدانی، ۱۴۰۱: ۳۵).

۵. ابزارهای رژیم سعودی جهت تحقق اهداف سیاسی در بحرین

همان طور که پیشتر ذکر آن رفت، عربستان سعودی سیاست دخالت خود در کشورهای شیخ نشین را با استفاده از حربۀ مذهب و دین پیش می‌برد. این کشور در شرایط کنونی نیز همگام با کشور آمریکا، در راستای نفوذ خود در بحرین سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کند که تقویت‌کننده این سیاست‌ها ابزارهای خاصی است. در ادامه با تشریح بیشتری به تعریف این ابزارها پرداخته می‌شود.

۱- ثروت عظیم نفتی و ارائه امتیازات اقتصادی

هدف مهم را که تمام سال‌ها عربستان دنبال کرده است دوری‌گزینی از اقتصاد نفتی و یافتن راه‌های گوناگون از قبیل بهره‌گیری از مؤسسات مالی بین‌المللی است تا راهی برای برون رفت از اقتصاد وابسته به نفت بیابد (Mitchel, 2022: 68).

۲- مذهب یا ایدئولوژی

عربستان با اتکا به مراکز مذهبی که زعامت آنها را در دست دارد کلیه سرزمین‌های اسلامی را تحت قیمومیت خود می‌خواهد داشته باشد و رفتارهای مداخله‌جویانه آن در بحرین نیز در همین راستا قایل تحلیل است. اتکاء عربستان به ارزش‌های نفتی برای تحقق آمال سیادت طلبانه‌اش حکایت از هم پیوندی اهداف و رویکردهای مالی و غیر مادی آن دارد (جوان شهرکی، ۱۴۰۰: ۱۷۵).

در این راستا قدرت‌های خارجی نیز تمام تلاش خود را برای حفظ موقعیت و پایگاه‌های عربستان در منطقه انجام می‌دهد تا به تداوم جایگاه و مناصب خود بپردازند بعلاوه این که کلیه تلاش‌های عربستان نیز در راستای تداوم رژیم‌های غرب‌گرا و وابسته است (الهی، ۱۴۰۱: ۲۷۷-۲۶۷). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان داشت که عربستان با استفاده از موقعیت انرژی و جایگاه ژئوپولیتیک منطقه‌ای خود در صدد است کلیه لوازم و تجهیزات نظامی را با کمک غرب برای حفظ سلطه بر همسایگان عرب خود اعمال نماید (زراعت پیشه، ۱۳۹۷: ۲۲).

۳- سایر موارد

الف: موقعیت ژئوپولیتیک

به طور کلی، کشور عربستان موقعیت ویژه‌ای از لحاظ ژئوپولیتیک، ژئوکالچر و ترانزیت انرژی دارد و این امکانات زمینه‌ساز گسترش نفوذ آن به حوزه‌های پیرامون نیز شده است. غلبه قدرت این کشور بویژه از منظر انرژی، منابع فوق‌العاده قدرتی را در اختیار این کشور قرار داده است (نادری، ۱۳۹۷:

(۸۱).

نفوذ عربستان در بحرین و مسئله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تهدیدات و فرصت‌ها  
پیش از تعریف و تشریح فرصت‌ها و تهدیدهای فراوری ایران، به اهداف راهبردی روانی عربستان  
علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌گردد. مهمترین اهداف یاد شده عبارتند از:

- ۱) ارائه چهره‌ای مخدوش از جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی منطقه.
  - ۲) القای ناکارآمدی مذهب شیعی در اداره جامعه و چالش مشروعیت نظام جمهوری اسلامی.
  - ۳) ارائه تصویر آرمانی از آیین وهابیت.
  - ۴) ترسیم ایران به عنوان محور شرارت در منطقه و بخصوص بحرین.
  - ۵) تلاش برای ائتلاف سازی و اجماع منطقه‌ای علیه ایران با مشارکت دولت‌های فرومانده منطقه.
- آنچه حمله روانی عربستان به ایران را نزد استراتژیست‌های عربستان تضعیف کرده سه مسئله اساسی  
است:

- ۱) عدم تشکیل یک ائتلاف مسلط قدرتمند علیه جمهوری اسلامی ایران.
  - ۲) ثبات، انسجام و توانایی‌های روز افزون و گسترده جمهوری اسلامی ایران.
  - ۳) مشغول بودن ارتش سایبری عربستان در منطقه و بخصوص بحرین (سجادپور، ۱۴۰۰: ۱۷۴).
- در ارتباط با تهدیدات عربستان با همکاری دشمنان بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران نیز باید بیان  
داشت که این مسئله در سه قسمت قابل بررسی است:
- الف) قراردادهای و پیمان‌های نظامی دو جانبه عربستان با قدرت‌های نظامی.
  - ب) خرید تسلیحات آمریکایی توسط کشورهای منطقه.
  - ج) حضور گسترده سازمان سیا و عوامل آن در منطقه.
- نگرش‌های متعددی پیرامون این موضوعات امنیتی وجود دارد که قابل بررسی است  
(Aljamra, 2019; 61).

- نگرش ایدئولوژیک



منازعات دیپلماتیک در گرفته میان ایران و عربستان کاملاً خاستگاه قدرتی و برای تحمیل جهان‌بینی خود به دیگری است هر یک با تعریف دیگری به عنوان رقیب غیرقابل سازش تنها بدنیاال حذف یکدیگر و برهم زدن ساختار امنیتی خاورمیانه به نفع خود هستند. هر یک از طرفین، اندیشه‌های ایدئولوژیکی خود را تبلیغ می‌کند و دیگری با ترویج آیین وهابیت سعی بر خشی نمودن تفکرات رقیب خود دارد (مددی، ۱۳۹۴: ۱۷۸).

- نگرش سیاسی

برخی از محققان و صاحب نظران دستگاه دیپلماسی را امنیت‌سازی با کمک نگرش سیاسی و از طریق غلبه نگرش بازی با حاصل جمع جبری مضاعف و برد برد می‌دانند (فتحی، ۱۳۹۶: ۴۸).

- نگرش اقتصادی

برخی دیگر بر جنبه‌های اقتصادی تهدید عربستان تأکید دارند و در عین حال، نظر به هم تکمیلی اقتصادهای دو کشور یگانه راه را ادغام اقتصادی و کمک‌گیری از ظرفیت‌های دوجانبه هر دو کشور می‌دانند که در شرایط کنونی تنها مسیر تحقق امنیت‌سازی از طریق بسترهای اقتصادی می‌باشد آن هم در خصوص منطقه‌ای که بیش از ۹۸ درصد مناسبات اقتصادی آن با جهان خارج از غرب آسیا صورت می‌گیرد که حکایت از غلبه گفتمان خودی بیگانه در ادبیات سیاسی کشورهای منطقه دارد (Blumi, 2021: 87) در این خصوص کارشناسی قدرت‌های خارجی و به ویژه آمریکا برای تشدید تحریم‌ها و انزوای بازیگران خاورمیانه و دوری از الگوهای رفتاری مشترک مثال زدنی است که عرصه فعالیت‌های مشارکت‌جویانه کشورها را به شدت تنگ می‌کند (Eshaq, 2020; 174).

تهدیدهای عربستان علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران

تهدیدهای عربستان بر ضد جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در قالب تهدیدهای رسمی و غیررسمی، مورد بررسی قرار داد. این تهدیدها به شرح زیر است:

۱. تهدیدهای رسمی

منظور از تهدیدهای مستقیم، تهدیدهایی است که عربستان می‌تواند در میانه مدت از طریق تنش

زایی‌هایی چند سطحی نظامی‌گرانه، اقتصادی، رسانه‌ای علیه ایران تحمیل نماید (رحیمی، ۱۳۹۶: ۴۲).

#### الف) تهدیدهای نظامی

به طور کلاسیک، عمده تهدید آفرینی‌های عربستان با کمک گرفتن از قوای تسلیحاتی غرب صورت می‌گیرد تا فاصله نظامی عربستان با ایران حفظ شود و ایران تبدیل به کنش‌گری که همواره تهدیدکننده نظم منطقه و حیات بازیگران دگر اندیش است معرفی گردد (رنجبر، ۱۴۰۱: ۴۶). آن چه برای عربستان به لحاظ روانی حائز اهمیت است پراکنش ایران‌هراسی در کل منطقه و معرفی ایران به عنوان یک بازیگر آناشسیست در خاورمیانه است (نادری، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

#### ب) تهدیدهای اقتصادی

علاوه بر تهدیدات نظامی عربستان، تهدیدهای دیگر مالی این کشور همواره متوجه منافع ایران بوده است که در قالب تعقیب تحریم‌ها و سوءاستفاده از نقاط ضعف ایران صورت گرفته است. تعقیب سیاست‌های نولیبرالیستی که خود موجب متلاشی شدن اقتصاد سیاسی درون زاد در کشورهای عربی شده است نیز در همین راستا قابل مطالعه است. به علاوه تلاش برای سواستفاده از کشورهای عربی برای کمک به ایران اقتصاد تحریمی را دور می‌زنند به همین کیفیت صورت گرفته است (Gjoza, 2019: 256).

#### ج) تهدیدهای رسانه‌ای سیاسی

برجسته‌ترین تهدید آفرینی عربستان و غرب پیرامون ایران دقیقاً در راستای گسترش فعالیت‌های رسانه‌ای و پروپاگاندا علیه ایران است که تلاش ایران برای القای یه بازگر مستعد استفاده از سلاح هسته‌ای و موشک‌های دوربرد و بالستیک در همین راستا قابل تحلیل است که می‌خواهد جهان‌بینی ضد استکبار خود را از طریق یارگیری از جبهه مقامات القا نماید (اینبار، ۱۴۰۰: ۴۵۶). بعلاوه تلاش ایران برای تقویت زنجیره مقاومت و حفظ هویت انقلابی از طریق جنگ‌های نیابتی در سراسر منطقه نشان‌دهنده برنامه‌ریزی استراتژیک ایران برای ادامه‌دار کردن جنگ و کوتاه نمودن حضور بیگانگان در منطقه است (سبحانی فر، ۱۴۰۱: ۱۲۱).

#### ۲. تهدیدهای غیررسمی

منظور از تهدیدهای غیررسمی تلاش عربستان برای کارشکنی در روابط ایران با جهان پیرامون خود است بویژه موضع‌گیری ایران در خصوص فلسطین و بی‌توجهی و کناره‌گیری اعراب نسبت به این

موضوع ایران هراسی را در انظار عمومی و بویژه خاورمیانه برجسته می‌کند و از ایران چهره‌بازیگری تنش‌ساز و تنش‌آفرین را می‌سازد (مجتهدزاده، ۱۳۹۹: ۳۶). در مجموع عربستان سعودی با نفوذ در بحرین یکی از تهدیدهای جدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، با این وصف در کنار این تهدیدها می‌توان به نقاط قوت و فرصت‌های ایران در شرایط فعلی منطقه نیز اشاره کرد (محمدی، ۱۳۹۶: ۲۹۰).

فرصت‌ها:

۱- شکست راهبردهای آمریکا و عربستان در منطقه و گسترش تنفر مردم ناکامی‌های مستمر آمریکا و عربستان در منطقه از یکسو و تنفر مردم منطقه و جهان اسلام از عملکرد آمریکا، موقعیت این کشور را به شدت تنزل داده است. طبیعی است ضعف آمریکا و عربستان، فرصت قابل توجهی برای جمهوری اسلامی در مبارزه با سیاست‌های سلطه‌طلبانه این کشور ایجاد کرده است. توضیح آنکه اساساً ضعف و شکست آمریکا به عنوان متحد عربستان در خاورمیانه، علاوه بر ایجاد موج اعتراضات در داخل عربستان و آمریکا، جایگاه ایران را در منطقه به عنوان یک ابر قدرت منطقه‌ای تقویت کرده است (پلاتول، ۱۴۰۱: ۲۷۳).

## ۵- گستره قدرت نرم ایران

باوجود نفوذ عربستان در کشور بحرین، امروزه شاهدیم که مهم‌ترین نمودهای قدرت نرم ایران پس از انقلاب، شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و حمایت ایران از جنبش‌های اسلامی این کشور است. به باور برخی، انقلاب‌ها همیشه دو جنبه داشته‌اند: جنبه داخلی و جنبه خارجی. به تغییر اساسی اصول و نهادهای سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی در یک کشور و برانداختن نظام دولتی حاکم با استفاده از خشونت انقلاب گفته می‌شود. اما این جنبه داخلی انقلاب است. انقلاب‌ها، همیشه یک جنبه بین‌المللی نیز داشته‌اند و این مطلب به خصوص در مورد انقلاب‌های بین‌المللی صدق می‌کند. به نظر مارتین وایت، اندیشمند روابط بین‌الملل، انقلاب بین‌المللی کوششی سازمان‌یافته برای "دگرگون کردن جامعه بین‌المللی" است (قلی اف، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

## ۶- انتقال و تعریف مجدد ارزش‌ها

انقلاب اسلامی ایران همواره بدنبال ترویج اسلام‌گرایی اصیل و تحول در مناسبات ارزشی و مفهومی

کشورهای منطقه بوده است تا نقش آگاهی بخشی را در خاورمیانه ایفا کند.

#### ۷- وحدت گرایی به دور از ستیزش

پیشبرد اهداف انقلابی از روش‌های نرم و مسالمت‌جویانه برای حفظ آرمان‌های اصیل انقلابی همواره هدف تبیین‌گر ایران تلقی شده است (امیراحمدی، ۱۳۹۹: ۱۸۵).

#### ۷- انتقال و ترویج ساختار و قدرت شبکه‌ای

در عصر جهانی شدن نقش رسانه‌ها همواره مورد تأکید بوده است و جمهوری اسلامی بر نقش ایجابی و آگاهی بخش رسانه‌ها برای تبیین اهداف انقلابی خود تأکید داشته است (نواب، ۱۳۹۸: ۱۲۸). در عصر تداوم قدرت نرم تأثیری که رسانه‌ها در شکل‌دهی به جریان‌ات سیاسی جهان دارند انکارناپذیر است و جمهوری اسلامی همواره به نقد نقش منفی غرب که در تلاش برای جهت‌دهی سلبی به رسانه‌هاست پرداخته است (نبوی، ۱۳۹۰).

#### ۶. نتیجه‌گیری

روابط ایران و عربستان تابعی از موقعیت ژئوپلیتیک این دو کشور در منطقه خاورمیانه و به خصوص رقابت‌های منطقه‌ای عربستان سعودی و ایران بوده است. بحث رقابت ایران و عربستان و نوع روابط آن‌ها به چندین دهه گذشته برمی‌گردد و با توجه به تحولات منطقه‌ای، تغییرات به وجود آمده در خاورمیانه، رقابت‌های میان دو کشور وارد مرحله جدیدی شده است. اگر بخواهیم یک تقسیم‌بندی از حوزه‌های رقابت میان ایران و عربستان ارائه کنیم باید به سه حوزه اشاره کنیم. اول حوزه عراق؛ دوم حوزه فلسطین و لبنان و سوم حوزه خلیج فارس و بحرین. در تشریح حوزه سوم باید گفت که این حوزه و مسئله بحرین به لحاظ جغرافیایی حوزه نزدیک‌تری به هر دو کشور محسوب می‌شود و حساسیت بیشتری درباره آن وجود دارد. در طول چند دهه گذشته در این منطقه شاهد آن بودیم که ایران و عربستان نگاه‌های متفاوتی نسبت به ترتیبات امنیتی آن داشتند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران خواهان آن بوده است که ترتیبات امنیتی منطقه‌ای خاص و با مشارکت بازیگران منطقه شکل بگیرد و با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در منطقه مخالفت می‌کرده، عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس از حضور کشورهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس استقبال کرده‌اند و در قالب پیمان‌های متعدد، پایگاه‌های مختلفی را در اختیار آمریکا قرار داده‌اند. این درحالی است که با توجه به اتفاقات جدید و انقلاب‌های مردمی، بحرین جایگاه مهمی در روابط ایران و عربستان پیدا کرده است. بحرین در حال حاضر به منطقه مهمی تبدیل شده که هر یک از کشورهای

ایران و عربستان سعودی به آن نگاه‌های متفاوتی دارند.

بعد از اوج‌گیری تحولات حوزه عربی و اعتراضات در بحرین و حرکت شرایط به سمتی که رژیم آل خلیفه توانایی مقاومت در برابر آن را نداشت، از سعودی‌ها درخواست کمک کرد و در پی آن بیش از هزار نیروی امنیتی سعودی به بحرین وارد شدند و به همراه نیروهای امنیتی بحرین به سرکوب مردم اقدام کردند. به گونه‌ای که در حال حاضر در تحولات بحرین، عربستان سعودی در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نقش محوری را دارد. با توجه به این که عربستان سعودی در مرز شرقی خود و در نزدیکی بحرین، جمعیتی شیعه را دارد و اتفاقاً این منطقه، منطقه نفتی عربستان هم به شمار می‌رود، حذف رژیم آل خلیفه را خط قرمزی برای خود می‌داند و احساس می‌کند که اگر این رژیم در بحرین کنار گذاشته شود، منطقه نفوذ ایران در خلیج فارس نیز مانند دو حوزه قبل بیشتر می‌شود. بر این اساس هرچند که خواسته‌های مردمی بحرین، خواسته‌های مردمی با ریشه‌های بومی است اما با آن برخورد می‌شود و اولاً تهدید و مداخله ایران در این کشور مطرح می‌شود و ثانیاً سعی می‌شود شکل فرقه‌ای به آن داده شود.

رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران و عربستان همیشه وجود داشته است اما تنش‌ها وقتی بروز پیدا می‌کنند که در حوزه‌هایی که هر دو کشور نسبت به آن حساسیت دارند، دچار تحول یا بحران می‌شوند. در این مرحله به نظر می‌رسد عربستان سعودی هم چنان به حضور در بحرین و حمایت از رژیم آل خلیفه ادامه دهد. البته ممکن است در مراحل بعدی، امتیازات محدودی به شیعیان داده شود ولی این که به اصلاحات اساسی در این کشور تن بدهند و سقوط آل خلیفه را بپذیرند به هیچ وجه امکان پذیر نیست. در پایان باید بیان داشت که بحران بحرین نیازمند تمهیداتی فراتر از چارچوب روابط ایران و عربستان است. به نظر می‌رسد راهکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای اداره بحران است. تا زمانی که این اقدامات و سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای که ممکن است با نقش آفرینی بیشتر ترکیه یا قطر و یا حتی اتحادیه اروپا انجام نشود و بحران بحرین به نحوی حل و فصل نشود، تنش در روابط ایران و عربستان نیز ادامه خواهد داشت. بنابراین خروج از تنش نیازمند سازوکارهایی فراتر از روابط ایران و عربستان است.

## منابع

- اسدی، بیژن (۱۳۸۵) خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۷) دانشنامه سیاسی، تهران: نشر مروارید.
- امیراحمدی، بهرام (۱۳۹۹) «چشم انداز ژئوپلتیک شمال افریقا»، راهبرد، شماره ۳.
- اینبار، افریم (۱۴۰۰) «خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل، سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۲.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۴) «تحولات سیاسی اجتماعی، عربستان سعودی»، خاورمیانه، دوره ۲، شماره ۱.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۰) «عوامل تأثیر گذار بر سیاست های جدید بحرین»، سیاست خارجی، شماره ۵۹.
- پلانول، خاویر (۱۴۰۱) «تشیع ایرانی و شیعه بحرینی، ترجمه بابک واحدی، تهران: کانون پژوهش های دریای پارس.
- پورآخوندی، نادر (۱۴۰۰) «سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، مطالعات راهبردی، شماره ۲۲.
- جوان شهرکی، مریم (۱۴۰۰) «بررسی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران (ضرورت حفظ نگرش روندی)»، پژوهش نامه سیاست خارجی، شماره ۲۱.
- حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۱) «نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه ای دوران جنگ سرد و پسا جنگ سرد»، سیاست خارجی، دوره ۲۵، شماره ۳.
- حد، اوتامانیل (۱۳۸۲) «انتفاضه بحرین و روند اصلاح سیاسی در بحرین»، مترجم: جواهری، امیر، علوم سیاسی، شماره ۴.
- خادمی، غلامرضا (۱۳۸۴)، «جهانشمولی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، «نواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱.
- رحیمی، علی (۱۳۹۶) «اسرائیل و بحران عراق؛ منافع و چالشها». نگاه، شماره ۳۲.
- رنجبر، مقصود (۱۴۰۱) «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زراعت پیشه، نجف (۱۳۹۷) برآورد اطلاعات استراتژیک عربستان سعودی، تهران: ابرار معاصر، تهران.
- سبحانی فر، محمد جواد (۱۴۰۱) «تأثیر عوامل همگرایی و واگرایی در روابط دو کشور ایران و عربستان»، مطالعات دفاعی استراتژیک، بهار شماره ۱۸.
- سجادپور، محمدکاظم، (۱۴۰۰) «تحلیل استراتژی امریکا در بحرین؛ وزن‌های ناهم‌سنگ»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۸، شهریور.

- شفیعی، نوذر و روح الله زمانیان (۱۳۹۰) «مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه ها(واقع گرایی، لیبرالیسم و سازه انگاری»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸۵.
- عطایی، فرهاد و الهام رسولی ثانی آبادی(۱۳۸۹)، بررسی نقش جایگاه سیاست خارجی در نظریه های روابط بین الملل، سیاست، دوره ۴۰، شماره ۳.
- عظیمی، رقیه السادات (۱۳۹۹) عربستان سعودی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- فتحی، محمد جواد و فرزاد جهان بین (۱۳۹۶). تبیین ژئوپلیتیک بحران در یمن؛ عوامل و بازیگران، سیاست جهانی، شماره ۱.
- فیروزکلائی، عبدالکریم (۱۳۹۴). تحلیلی بر مهمترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن، پژوهش های منطقه ای، شماره ۷.
- قلی اف، الدنیز (۱۴۰۰) بیداری اسلامی در کشورهای عربی از دیدگاه رئیس انجمن روشنفکران آذربایجان، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۲.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۹) «روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها»، تهران: سمت.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۹) کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه، ملک محمدی نوری، حمیدرضا، نشر نی، تهران.
- محمد خانی، علیرضا، (۱۳۸۸). تبیین رویکرد نواقح گرای در روابط بین الملل، مطالعات سیاسی، دوره ۱، شماره ۳.
- محمدی، منوچهر(۱۳۹۶) بازتاب جهانی انقلاب اسلامی در بحرین. نشر آگاه، تهران.
- مددی، جواد(۱۳۹۴). الزامات رویارویی با ائتلاف سعودی، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۲.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۵) «تحول در نظریه های روابط بین الملل»، انتشارات سمت، تهران.
- موسوی نژاد، سیدعلی، (۱۳۸۸) «شیعیان زیدی و تحولات اخیر یمن»، موعود، شماره ۱۰۸.
- میرزاده کوهشاهی، مهدی(۱۳۹۳). تحولات یمن؛ کشمکش بازیگران داخلی در سایه رقابت های منطقه ای، دیده بان امنیت ملی، شماره ۳۳.
- نادری، عباس (۱۳۹۷). بررسی جامعه شناختی نظام سیاسی عربستان سعودی، سیاست خارجی، شماره ۸۹ نواب، محمد (۱۳۹۸). امت در حرکت (جهان معاصر و بیداری اسلامی)، سوره، ۶۲ تا ۶۷، شماره ۲۷.
- نوریان، اردشیر (۱۳۹۸). منازعه و همکاری در روابط بین الملل: نقش قدرت در حفظ صلح و امنیت جهانی، سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۱.

نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۰). تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت، روابط خارجی، سال ۳، شماره ۴۰.

هاشمی نسب، سعید، (۱۳۸۸). بررسی تحولات اخیر بحرین، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲.

الهی، همایون (۱۴۰۱) خلیج فارس و مسائل آن، قومس، تهران.

یزدانی، عنایت اله و سید ساعد حسن زاده، (۱۴۰۱). عربستان سعودی و آمریکا؛ رویکرد سیاست خارجی، سیاست، دوره ۲۸، شماره ۲.

Aljamra, Helal (2019) *Bab-El-Mandeb, Gateway to the Red Sea: The World's Most Dangerous Strait*, available at: <https://insidearabia.com/bab-el-mandeb-gateway-to-the-red-sea-the-worlds-most-dangerous-strait>.

Baron, Adam (2012) *Foreign and Domestic Influences in the War in BAHRAIN*. Blacksburg: VT Publishing.

Blumi, Isa (2021) *Chaos in BAHREIN: Societal Collapse and the New Authoritarianism*, Routledge.

Eshaq, A. & Al-Marani, S. (2020) *Assessing the EU's conflict prevention and peacebuilding*.

Gjoza, Enea and Benjamin H. Friedman (2019) "END U.S. MILITARY SUPPORT FOR THE SAUDI-LED WAR IN BAHREIN", Policy Director, Defence Priorities

<https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document.html?reference=EXP-0164-2016>

Jongberg, K (2022). *BAHREIN" GEOPOLITICAL OVERVIEW*. Available in: Merriam Webster's Collegiate Dictionary, *United states of American*, by Merriam Webster, 11ed, 2003

Mitchell, Andrew (2022), *Yemen, Point Of Order In The House Of Commons*, Available At: <https://www.theyworkforyou.com/debates/>

STRAW, JANE. (2022), "The Yemen Crisis and the Bab El-Mandeb Maritime Chokepoint, April 14 , 2015. available at: <http://susris.com>.